

با ایجاد ذخیره ملی توسط ترامپ رمزارز می‌تواند به عنوان ارز خصوصی در تلفیق هوش مصنوعی و شبکه‌های اجتماعی شیوه حکمرانی را تغییر دهد

عصر جدید رمزارزها

روز پنجشنبه دونالد ترامپ یک فرمان اجرایی جدید را با عنوان «تقویت رهبری آمریکا در فناوری مالی دیجیتال» امضا کرد که از رشد صنعت دارایی دیجیتال در ایالات متحده حمایت می‌کند. تحلیلگران بین‌المللی می‌گویند اینکه در هفته‌اول ریاست جمهوری ترامپ این فرمان اجرایی امضا شده، سیگنالی قوی است که نشان می‌دهد سیاست ارزهای دیجیتال در آمریکا در دوره جدید بسیار مهم خواهد بود. کارشناسان می‌گویند ایجاد «ذخیره ملی رمزارز» توسط دولت جدید آمریکا یک دخیان جدیدی را مبتنی بر ترکیب شبکه‌های اجتماعی با خدمات شرکت‌های ه‌ای تک مبتنی بر هوش مصنوعی ایجاد خواهد کرد که ویژگی آن، باثبات کردن بازار ارزهای دیجیتال با تقویت چند پول خصوصی بین‌المللی خواهد بود. بر این اساس، نقش‌اش ارکانی بانک‌های مرکزی یعنی سیاست پولی، نظارت و نظام پرداخت هم‌دچار تغییر و تحول اساسی خواهد شد. تمرکز زدای از سیستم پولی و ایجاد چالش برای سیاست پولی بانک‌های مرکزی در خارج از آمریکا، تهدیدهایی است که درکنار فرصت‌های فضای پولی جدید باید مدنظر سیاستگذار در ایران نیز باشد.

سلطان هوش مصنوعی رئیس بازنگری قوانین پولی

براساس فرمان اجرایی جدید ترامپ، یک کارگروه جدید در شورای اقتصاد ملی (NEC) ایجاد می‌شود تا یک چهارچوب نظارتی برای دارایی‌های دیجیتال پیشنهاد کند. ریاست آن برعهده مشاور ویژه هوش مصنوعی (AD) و رمزنگاری بوده و شامل مقامات بلندپایه ادارات و آژانس‌های مختلف مانند وزیر خزانه‌داری، دادستان کل ایالات متحده و رئیس کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده (SEC) است. هدف اصلی این کارگروه، پیشنهاد یک چهارچوب قانونی برای دارایی‌های دیجیتال با تمرکز بر ساختار بازار، نظارت، حمایت از مصرف‌کننده و مدیریت ریسک است. همچنین پتانسیل ایجاد یک انبار دارایی دیجیتال ملی را ارزیابی خواهد کرد. دیوید ساسکس گفتیار به‌عنوان تراز هوش مصنوعی و کریپتوی کاخ سفید نامیده می‌شد، به‌عنوان رئیس کارگروه جدید بازنگری در قوانین ارزهای دیجیتال آمریکا تعیین شده است. هدف این کارگروه ایجاد مقررات روشن و شفاف برای دارایی‌های دیجیتال با تمرکز ویژه بر وزارت خزانه‌داری، وزارت دادگستری و کمیسیون بورس و اوراق بهادار خواهد بود. این گروه همچنین قرار است «ایجاد و نگهداری باقروه یک انبار دارایی دیجیتال ملی» را ارزیابی کند. این دستور اجرایی جزئیات بیشتری در مورد چگونگی تشکیل چنین انباری ارائه‌ن داده و تحلیلگران و کارشناسان حقوقی در مورد اینکه آیا اقدام‌کنگره ضروری است یا خیر اختلاف‌نظر دارند. برخی استدلال کرده‌اند این ذخیره می‌تواند از طریق صندوق تثبیت مبادلات خزانه‌داری ایالات متحده ایجاد شود که زمینه‌ساز خرید یا فروش ارزهای خارجی و همچنین نگهداری بیت‌کوین خواهد بود.

۵ هدف قانون جدید

فرمان اجرایی دولت جدید آمریکا بر خلاف سیاست‌های تهاجمی دولت بایدن به ارزهای دیجیتال است. دولت قبلی ایالات متحده معتقد بود ارزهای دیجیتال منجر به بانکدزایی از کشورها می‌شود و با همین استدلال، صنعت رمزارزها را سرکوب می‌کرد. این فرمان اجرایی بر ارتقای رهبری ایالات متحده در بلاک‌چین، دارایی‌های دیجیتال و سایر فناوری‌های مالی مای نوظهور، از جمله ارزهای دیجیتال، تمرکز دارد. فرمان اجرایی ترامپ بر نکات مختلفی در مورد رهبری ایالات متحده در دارایی‌های دیجیتال و فناوری مالی و همچنین تغییر چندین دستورالعمل سیاست قبلی ایالات متحده در مورد اقدامات در این بخش‌ها تأکید می‌کند.

فرمان اجرایی ترامپ بر اهمیت صنعت دارایی دیجیتال در نوآوری و توسعه اقتصادی تأکید کرده که این موضوع، خط‌مشی‌هایی را برای حمایت از رشد و استفاده از دارایی‌های دیجیتال، فناوری بلاک‌چین و فناوری‌های مرتبط ترسیم می‌کند. سیاست‌های کلیدی فرمان اجرایی ارزهای دیجیتال عبارتند از:

- اطمینان از دسترسی قانونی مردم آمریکا به شبکه‌های بلاک‌چین
- ارتقای حاکمیت دلار آمریکا از طریق استیبل کوین‌های قانونی با پشتوانه دلار
- تضمین دسترسی عادلانه به خدمات بانکی
- ارتقاء خدمات شفاف نظارتی با مقررات بی‌طرف از نظر فناوری
- محافظت در برابر خطرات ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) با ممنوعیت استقرار و استفاده از آن‌ها در ایالات متحده.

ممنوعیتی عجیب برای CBDC ها

طبق فرمان اجرایی جدید دولت آمریکا، کارگروه فرمان اجرایی هرگونه اقدام برای ایجاد، صدور یا ترویج ارز دیجیتال ملی (CBDC ها) در داخل یا خارج از ایالات متحده را ممنوع می‌کند، مگر در مواردی که قانون الزام کند. دولت ترامپ بر این باور بوده که CBDC ها تهدیدی جدی برای ثبات مالی، حریم خصوصی شهروندان و حاکمیت ملی به‌شمار می‌آیند. لازم به ذکر است ارز دیجیتال ملی یا ارز بانک‌های مرکزی (CBDC ها) به نوعی از ارز دیجیتال گفته می‌شود که توسط بانک مرکزی یک کشور منتشر و مدیریت می‌شود. این ارز به‌عنوان نسخه دیجیتال پول ملی عمل می‌کند و می‌تواند به‌صورت الکترونیکی جایگزین اسکناس‌ها و سکه‌های فیزیکی شود.

آمریکا پایتخت ارزهای دیجیتال می‌شود؟

ترامپ در مسیر مبارزات انتخاباتی خود با متعهد شدن به «رئیس جمهوری رمزارزها» و ترویج پذیرش دارایی‌های دیجیتال، از پول نقد ارز دیجیتال استفاده کرد. این کاملاً در تضاد با مقررات سختگیرانه جو بایدن، رئیس جمهور سابق آمریکا است که در تلاش برای محافظت از آمریکایی‌ها در برابر کلاهبرداری و پولشویی، صنعت رمزارزها را سرکوب کرده بود و به بهانه‌های واهی از صرافی‌های Coinbase، Binance و ده‌ها مورد دیگر شکایت می‌کرد.

کارشناسان ارزهای دیجیتال می‌گویند اگر دستورهای اخیر ترامپ توسط رگول‌تورهای مربوطه اجرا شود، این پتانسیل را دارد که ارزهای دیجیتال را وارد جریان اصلی پول جهان کند.

براساس گزارش رابرتز در اقدام کلیدی دیگری، کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده (SEC) روز پنجشنبه دستورالعمل‌های حساب‌داری را که حفاظت از دارایی‌های کریپتویی از طرف اشخاص ثالث را برای برخی شرکت‌های بسیار گران کرده بود، لغو کرد. فرمان اجرایی نشان می‌دهد ترامپ بیانیه‌ای را که در طول کمپین انتخاباتی خود برای تبدیل کردن آمریکا به «پایتخت ارزهای دیجیتال» انجام داده بود، به‌طور جدی پیگیری می‌کند.

نوسانات کریپتویی چگونه کنترل خواهد شد؟

مجید شاکری، پژوهشگر اقتصاد مالیه به فرمان اجرایی اخیر ترامپ اشاره کرد که در آن به ایجاد یک ذخیره ملی رمزارزها پرداخته شده است. ترامپ در ایام انتخابات به دفعات به این موضوع پرداخته و آن را به‌عنوان «کریپتو» معرفی کرده است. شاکری معتقد است این ذخیره ملی می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای دارایی‌های خزانه‌داری عمل کند، مثلاً در سال ۲۰۲۲، دولت فدرال آمریکا حدود ۳/۵ میلیارد دلار رمزارز را در پرونده‌های قضایی مصادره کرده است. این رمزارزها شامل بیت‌کوین، اتریوم و سایر آلت‌کوین‌ها هستند که می‌توانند به‌عنوان ذخیره ملی مورد استفاده قرار گیرند.

شاکری به بزرگ‌ترین مشکل رمزارزها، یعنی بی‌ثباتی ارزش آن‌ها اشاره کرد. او توضیح داد این بی‌ثباتی مانع از تبدیل رمزارزها به ابزار ذخیره ارزش می‌شود و اگر کسی رمزارزها را به‌عنوان دارایی نگهداری می‌کرد، معمولاً رویکردی سفته‌بازانه داشت و به همین خاطر معاملات رمزارزها نسبت به ارزش واقعی‌شان معمولاً عدد پائینی بود، در نتیجه این رمزارزها هرگز نتوانستند به کارکرد وسیله تبادل دست یابند، زیرا مردم به آن‌ها به‌عنوان دارایی نگاه نمی‌کردند. علاوه بر این، رمزارزها به‌عنوان دارایی‌هایی با نوسانات بسیار بالا و در عین حال نسبتاً نقدشونده تحت تأثیر سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی نیز قرار داشتند، مثلاً قیمت آن‌ها با تغییرات در سیاست‌های پولی، در زمان شیوع کرونا، به شدت افزایش می‌یافت و با هر تغییر به‌سمت انقباض، قیمت‌ها کاهش می‌یافت. همچنین وقتی فدرال رزرو آمریکا به دلیل افزایش نگرانی‌ها در حوزه تورم به‌سمت انقباض رفت، رمزارزها سقوط کردند و نهادهای مالی مبتنی بر رمزارز نیز دچار مشکلاتی شدند که از جمله آن‌ها می‌توان به بانک‌های آمریکایی اشاره کرد. علاوه بر اینها تقاضای پایدار برای رمزارزها وجود نداشت، به‌عنوان مثال با ورود بیت‌کوین به بازارهای جدید، قیمت آن افزایش می‌یافت و با کاهش تقاضا، قیمت آن نیز کاهش می‌یافت.

شاکری گفت در الگوی جدید، آمریکایی‌ها می‌توانند نوسانات قیمت رمزارزها را در رمزارزهای منتخب که در ذخیره ملی خود هدف‌گذاری می‌کنند، کنترل کنند. به عنوان مثال با استفاده از ابزارهای مالی و رگول‌توری، می‌توانند نوسانات قیمت را در سطح ۱۰ تا ۲۰ درصد در مام کنترل کنند که این امر می‌تواند به ثبات بیشتری در بازار رمزارزها منجر شود. همچنین در ترکیب این موضوع با ایده سب‌کنارهای بزرگ فناوری متمرکز در آمریکا، آمریکایی‌ها همچنین می‌توانند با ارائه خدمات خود با استفاده از رمزارزها، این نوسانات را تا حدودی کنترل کنند که طبیعتاً تقاضای بیشتری در پیش داریم.

ایده تلگرام قدرت می‌گیرد؟

شاکری معتقد است فرمان اجرایی جدید ترامپ می‌تواند گامی بزرگ برای تبدیل رمزارزها به پول خصوصی بین‌المللی باشد و ذخیره ملی فدرال رمزارزها نقش تعادل‌بخش و حیاتی را در این زمینه ایفا کند، بدون اینکه لزوماً پشتوانه ارزشی برای آن‌ها ایجاد کند. این ایده مشابه طرح تلگرام برای ارائه‌اندازی رمزارز «گرام» است که به‌دلیل فیلتر رنگ در ایران و روسیه، برادران دوروف از آن عقب‌نشینی کردند. فیسبوک نیز با طرح «لیبرا» با مقاومت مقامات ناظر در آمریکا و اروپا مواجه شد. حالا این ایده به‌شکلی سازمان‌یافته‌تر و تحت کنترل دولت در آمریکا در حال‌شکل‌گیری است.

ایران برای تغییرات دنیای جدید آماده نیست

شاکری در ادامه به چالش‌های پیش روی کشور‌های در حال توسعه مانند ایران اشاره کرد و گفت: «رای کشور‌های در حال توسعه مانند ایران، در آینده کنترل چندانی بر حساب سرمایه خود نخواهم داشت، مگر اینکه بخواهیم تمام مزایای شرکت‌های بزرگ فناوری را خارج از مرزهای ایران نگه داریم، بنابراین نمی‌توانیم حساب‌های سرمایه را ببندیم، اما به یک ثبات نسبی در قیمت ارز خود نیاز داریم. این امر به این معناست که عملاً سیاست پولی مستقل نخواهیم داشت و امکانات ما برای کنترل تورم و توسعه از طریق سیاست‌های پولی بسیار محدودتر خواهد شد. ما باید دنیای جدید مواجهیم و به نظر می‌رسد ایران برای این تغییرات آماده نیست. بخش مهمی از این موضوع به دسترسی به خدمات پردازشی و هوش مصنوعی بر می‌گردد. ما نیاز داریم تا به زیرساخت‌های لازم برای پردازش داده‌ها و تأمین برق مورد نیاز برای سرورهای دسترسی پیدا کنیم. همچنین باید به نسبت خود با شرکت‌های جهانی و حاکمیت ایران توجه کنیم. این نگرانی‌ها فراتر از مسائل فرهنگی و سیاسی است و باید به آن‌ها فکر کنیم. این تغییرات به لحاظ فنی در دو تا سه سال آینده به وقوع خواهد پیوست. ممکن است مسائل رگول‌توری و سیاسی در این دو سال و حتی تا ۱۰ سال آینده تأثیرگذار باشد، اما به‌رحال اگر از امروز شروع کنیم، هنوز هم عقب خواهیم بود.

براین اساس، احتمال از دست دادن سرمایه برای کشور‌هایی همچون ایران و بسیاری از کشور‌ها وجود دارد. توجه داشته باشیم اگر پول خصوصی شکل اجرایی بگیرد، شرکت‌های آمریکایی راحال‌هایی برای نظارت کامل بر مبادلات دارند و ممکن است از این موضوع برای تحریم سایر کشور‌ها استفاده کنند. اگر آن‌ها تصمیم بگیرند که مثلاً ارتباط ایران را قطع نکنند، تحریم مالی به‌شکل کنونی دیگر معنا نخواهد داشت و ممکن است به تحریم‌های منتخب تبدیل شود. همچنین اگر برخی نهادها در ایران به خدمات مالی دسترسی داشته باشند، قدرت سیاسی و اقتصادی قابل توجهی پیدا خواهند کرد. در هر حال باید زودتر نسبت به این مسائل تصمیم‌گیری کنیم.»

تکلیف CBDC ها

شاکری درباره ممنوعیت توسعه ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC ها) توسط ترامپ معتقد است: «این یک تلاش برای واکنش به جریان رمزارزها بود. چینی‌ها در این زمینه از آمریکایی‌ها جلوتر بودند، با این تفاوت که مدل چینی‌ها به ذخیره کامل نزدیک‌تر بود. در حالی‌که آمریکا، بانک‌های تجاری همچنان نقش عمده‌ای داشتند. با وجود همه این تغییرات، وقتی که رمازری وجود داشته باشد که مستقیماً به خدمات مبتنی بر ارزش شرکت‌های تکنولوژی متصل باشد، عملاً CBDC ها عقب می‌افتند. CBDC همان پول فیات بود که داشت در قالب رمزارز استفاده می‌شد. اما اکنون درباره چیزی صحبت می‌کنیم که مستقیماً به ارزش آفرینی شرکت‌های SEC کمک می‌کنند و پول جلوتری نسبت به ارز منتشر شده توسط حکومت‌ها محسوب می‌شود که نهایتاً جریان نیاز آن‌ها منتهی به پرداخت مالیات خواهد شد.»

پناهگاه دوم غربی‌ها

شاکری عنوان کرد: «در حوزه پیام‌رسان مالی آن چیزی که چینی‌ها طراحی کردند با سوییفت همخوانی دارد. دقت کنید که یوان پولی است که روی توان تولید و صادرات این کشور سوار است و می‌توانند از ذخیره ارزی بزرگ خود برای دفاع از آن استفاده کنند. اگر دلار نتواند کار کند، غربی‌ها باید از چه ارزی برای هژمونی متمرکز شوند؟ پیشنهادهایی بر این بنا وجود داشت که روی SDR (ارز منتشره توسط صندوق بین‌المللی) قرار بگیرند. عملاً این مدل که کم‌کم ایجاد خواهد شد، گزینه SDR به‌عنوان پناهگاه دوم غربی‌ها را کنار می‌گذارد و به آن‌ها امکان را می‌دهد که اگر دلار به‌عنوان یک ارز قالب به دلیل استفاده سیاسی بیش از حد آمریکایی‌ها از آن با مشکلات جدی مواجه شد، ابزار رمزارزهای خصوصی فرامزی توسط شرکت‌های ه‌ای تک متمرکز در آمریکا مورد استفاده قرار بگیرد.»

پلن B جهان روایی دلار

این پژوهشگر مالیه حکمرانی در خصوص این موضوع که در سیستم جدید پولی، اگر پول خصوصی بین‌المللی ایجاد شود، آیا جایگاه اقتصاد‌های بزرگ مانند چین، ژاپن، آلمان، هند و حتی عربستان تغییر خواهد کرد، می‌گوید اول باید دلیل جهان‌روایی دلار را بررسی کنیم. علت جهان‌روایی دلار بعد از جنگ جهانی دوم، توان تولید صنعتی و مازاد جاری صادراتی بسیار زیاد آمریکا بعد از جنگ دوم و به‌واسطه ذخایر جهانی طلا در آمریکا بود. به مرور زمان، دلار مبتنی بر یک دارایی واقعی قیمت‌گذاری می‌شد. با تبدیل آمریکا از یک خالص صادرکننده به یک خالص واردکننده و بزرگ‌ترین حساب

سرمایه مثبت در دنیا که کسری حساب جاری خود را به وسیله‌قرص گرفتن از جهان خارج تأمین می‌کرد، به سمتی رفت که با تقویت ذهنیت از دلار به‌عنوان یک دارایی امن این ارز را به یک ارز جهان‌روا تبدیل کند. این مدل اگرچه کار می‌کند، اما در مقابل توان تولید صنعتی چین و در مقابل توان مبتنی بر کامیونیتی کشور‌های تولیدکننده نفت خام و چیزهایی شبیه به این محدودیت‌هایی دارد.

با قانون جدیدی که توسط ترامپ ابلاغ شد، این مدل جدید آمریکایی دیگر این محدودیت‌ها را ندارد و علاوه بر اینکه روی یک ذهنیت کار می‌کند، بر ارزش افزوده واقعی بخش تکنولوژی نیز سوار است که هم قابلیت رشد بیشتری نسبت به کامیونیتی‌ها دارد و هم در دل خود یک ذهنیت را پرورش می‌دهد. اما برای کسوری مثل عربستان به دلیل افزایش تقاضا برای انرژی به دلیل رشد هوش مصنوعی رخ خواهد داد، فعلاً وضعیت بهتر خواهد بود. اما چینی‌ها باید فکر کنند که آیا سرانجام قصد دارند گام‌های بلندتری برای جهان‌روا شدن یوان با همه هزینه‌های آن قبل از کامل شدن مدل آمریکایی بردارند یا خیر.

ترامپ منهای ماسک

شاکری در خصوص اینکه آیا ایده اخیر، ایده ایلان ماسک است یا ایده شخص ترامپ، می‌گوید برای پاسخ به این سؤال اول باید به این موضوع پرداخته شود که این ارز‌ها نسبت به طرف تقاضا خیلی حساس هستند. زمانی که یک متقاضی و بازارگردان بزرگ مثل نهاد ذخیره فدرال وارد بازی می‌شود، نوسان آن‌ها خیلی کمتر می‌شود و احتمالاً با تجربه به اینکه در گام اول یک تقاضای جدید وجود دارد، به جز کاهش نوسان ممکن است با یک روند صعودی مستمر یک تا دو ساله مواجه‌شویم. ایده‌ای مثل رمزارزها با استفاده از رمزارزهای تقویت‌شده برای بازپرداخت بدهی‌های اثبات‌شده آمریکا، قبل از اینکه ایلان ماسک به کمپین ترامپ بپیوندد بارها و بارها توسط ترامپ مطرح شده است. علاوه بر این بخش زیادی از دارایی‌های ترامپ قبل از اینکه وارد کمپین شود، مربوط به دارایی‌های دیجیتال بود. تقریباً از حدود ۳ میلیارد دلار دارایی ترامپ حدود ۲ میلیارد دلار آن مربوط به املاک و مستغلات و الباقی آن سهام او در شبکه اجتماعی و کوین‌هایی است که به نام او صادر شده است. در نتیجه ترامپ و فرزندان او بیش از ایلان ماسک نیز با این موضوع آشنا بودند. اما اینکه از این موضوع چقدر در تصمیمات حاکمیتی به معنای دوحزبی در آمریکا جا دارند، به نظر می‌رسد این طور نباشد؛ چرا که رویکرد قانون‌گذاری دموکرات‌ها نسبت به ارزهای دیجیتال خیلی سخت‌گیرانه بود و به نظر می‌رسد اگر این ایده وجود داشته باشد، کلاً در کمپین ترامپ متولد شده است.

اکوسیستم جدید رمزارزها یک واقعیت است

امیرعباس امامی، کارشناس اقتصادی حوزه بلاک‌چین در گفت‌وگو با «فرهیختگان»، در ابتدا با اشاره به فلسفه ارزهای دیجیتال اظهار داشت: «نخستین پول‌های دیجیتال به نوعی در سال ۲۰۰۹ با بیت‌کوین به‌وجود آمد و فلسفه‌اش بر غیر متمرکز بودن بود. این مفهوم به این معنا نیست که همه پول‌های دیجیتال باید تا ابد غیر متمرکز بمانند. ممکن است با همین بستر و تکنولوژی، پول‌های دیجیتال دیگری نیز به‌وجود بیایند. به عنوان مثال، استیبل کوین‌هایی مانند اتر» که «عملاً متمرکز هستند، اما بر بستر غیر متمرکز بلاک‌چین عمل می‌کنند.» امامی در ادامه افزود: «اگر بخواهیم به فلسفه اولیه بیت‌کوین نگاه کنیم، می‌توان گفت این موضوع ممکن است با آن تقاض داشته باشد. اما اگر واقع‌گرا باشیم، باید بپذیریم که این هم بخشی از اکوسیستم است و نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. در واقع، این تغییرات نشان‌دهنده تکامل و رشد این حوزه است. ما باید واقعیت‌های موجود را در نظر بگیریم و از آن‌ها دفاع کنیم. این واقعیت‌ها هم اکنون در حال شکل‌گیری‌اند و باید به آن‌ها توجه کرد.» فرمان اجرایی ترامپ در حال حاضر اتفاق خاصی نیست و صرفاً کمیت‌های تشکیل شده که شامل رؤسای وزارت خزانه‌داری، سازمان بورس کالا (SEC) و گروهی از مجموعه‌های مرتبط دیگر است. این کمیته به بررسی موضوعات مختلف از جمله رگول‌توری رمزارزهای پر‌دازد. امامی می‌گوید مشخص نیست که این بررسی‌ها به محدودیت یا ممنوعیت منجر خواهد شد. اما انتظار می‌رود که با توجه به رویکرد ترامپ و حضور «دیوید ساسکس» و «ایلان ماسک» به عنوان طرفداران فضای رم‌زارزها، احتمالاً به سمت ممنوعیت نخواهیم رفت. در عوض، یک چهارچوب برای فعالیت‌های این حوزه ایجاد خواهد شد که به هدف ترامپ در تبدیل آمریکا به هاب رم‌ارزها (کریپتو کارنس) و افزایش ثروت ایالات متحده کمک کند.

رگول‌توری برای تبدیل آمریکا به هاب کریپتو فارنسی

امامی در مورد رابطه قوانین اخیر با هژمونی دلار تصریح کرد: «بر کسی پوشیده نیست دلار به خاطر قدرت اقتصادی و سیاسی ایالات متحده به این جایگاه رسیده و در حال حاضر بعد است که این هژمونی با خطر جدی مواجه‌شود. البته ممکن است دلار نوساناتی داشته باشد که از مقتضیات این نفیاست، اما به طور کلی موجودیت کلان این فضا همچنان در اختیار دلار خواهد بود.»

البته یکی از نگرانی‌های احتمالی بانک مرکزی آمریکا، در مورد تضعیف جایگاه دلار در جهان به (استیبل کوین‌ها) بر می‌گردد. استیبل کوین‌هایی که مبتنی بر دلار آمریکا هستند، تقریباً اکثر تبادلات استیبل کوینی در فضای کریپتورا تشکیل می‌دهند و نهادهایی که آن‌ها را منتشر می‌کنند، تحت نظارت و کنترل ایالات متحده قرار دارند.

آمریکا و رگول‌تور آمریکایی می‌خواهند اگر رمزارزها قرار است فراگیر شوند، این رمزارزها همگی مبتنی بر دلار آمریکا باشند تا همچنان کنترل آن‌ها در اختیار رگول‌تور آمریکایی باشد. بنابراین از این جهت احتمالاً نگرانی خاصی وجود ندارد، اما ایالات متحده قصد نظام‌مند کردن این فضا را دارد تا بتواند کنترل خود را در جهت تحریمی و اقتصادی حفظ کند.

تلاش برای کنترل بازار کریپتو کارنسی‌ها

امامی با اشاره اینکه فضای کریپتو کارنسی، به‌ویژه رمزارزهایی مانند تتر (USDT) و استیبل کوین‌ها، از نظر نظارت کلی، شفاف‌تر از فضای بانکی است، گفت: «بر اساس گزارش‌ها، بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) می‌تواند به صورت ریل‌تایم بر تمام تراکنش‌های تتر نظارت داشته‌باشد. در سال ۲۰۲۲، حجم تراکنش‌های تتر به بیش از ۲ تریلیون دلار رسید که این رقم نشان‌دهنده اهمیت این استیبل کوین در بازار جهانی است.» رگول‌تورهای آمریکایی به دقت بررسی می‌کنند که تبادلات پولی مبتنی بر رمزارزها و استیبل کوین‌ها توسط چه کسانی انجام می‌شود.

طبق آمار، بیش از ۷۰ درصد از تبادلات رمزارزها از طریق صرافی‌های بزرگ ارز دیجیتال انجام می‌شود که تحت رگول‌اسیون سخت‌گیرانه‌ای برای احراز هویت کاربران قرار دارند. این اسکنسچ‌ها موظف به جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات کاربران خود هستند و در صورت درخواست، باید این اطلاعات را در اختیار مقامات آمریکایی قرار دهند.

تهدیدات مذکور به آمریکا این امکان را می‌دهد که به بخش قابل توجهی از بازار رمزارزها مسلط‌شود. به عنوان مثال، بر اساس گزارش‌ها، در سال ۲۰۲۳، بیش از ۴۰ درصد از کل تراکنش‌های رمزارزها در ایالات متحده انجام شده است. این موضوع نشان‌دهنده تسلط آمریکا بر این بازار و توانایی رصد و شناسایی ذی‌نفعان است. در سال ۲۰۲۲، بیش از ۱۰۰ میلیون کیف پول فعال در شبکه بیت‌کوین وجود داشت. تلاش است تا کنترل خود را بر بازارهای مالی و رمزارزها حفظ کند. این موضوع نشان کیف پول‌های خود به اکسپنشن‌ها منتقل می‌شوند و احراز هویت انجام می‌گیرد، مشخص می‌شود که این کیف پول متعلق به چه کسی است.

با وجود ابزارهای ناشناس، تکنولوژی‌های جدیدی نیز وجود دارند که می‌توانند به شناسایی و رصد تراکنش‌ها کمک کنند. به عنوان مثال، شرکت‌های تحلیلی مانند Elliptic و Chainalysis با استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته، توانسته‌اند به شناسایی و رصد تراکنش‌های مشکوک در شبکه‌های بلاک‌چینی کمک کنند. البته ایالات متحده با استفاده از این ابزارهای تکنولوژیک و رگول‌اسیون‌های سخت‌گیرانه، همچنان در تلاش است تا کنترل خود را بر بازارهای مالی و رمزارزها حفظ کند. این موضوع نشان می‌دهد که حتی با وجود ابزارهای ناشناسی در بلاک‌چین، امکان شناسایی و رصد تراکنش‌ها وجود دارد و ایالات متحده می‌تواند به راحتی بر این بازار نظارت کند.

حاکمیت دولت‌ها چه می‌شود؟

امامی در ادامه با تأکید بر اینکه آیا ایجاد پول‌های بین‌المللی خصوصی، جایگاه اقتصاد‌های بزرگ غیر از آمریکا را به خطر نمی‌اندازد، گفت: «پول‌های خصوصی، به ویژه آن‌هایی که تحت نظارت رگول‌تورها هستند، به راحتی نمی‌توانند به عنوان رقیب پول‌های ملی عمل کنند و به این نکته اشاره کرد که رگول‌تورها در کشور‌های مختلف حساسیت زیادی نسبت به این موضوع دارند و اجازه نمی‌دهند پول‌های غیر متمرکز به راحتی در بازارها گسترش یابند. در حال حاضر، پول‌های غیر متمرکز مانند بیت‌کوین به دلیل حجم پایین ترشان، هنوز حساسیت‌زا نیستند. بر اساس آمار، در سال ۲۰۲۲، حجم کل بازار رمزارزها به حدود ۲ تریلیون دلار رسید، در حالی‌که بازار پولی جهانی حدود ۱۰۰ تریلیون دلار است. بنابراین، رمزارزها هنوز در مقایسه با پول‌های ملی و فیات، سهم قابل توجهی ندارند. توجه داشته باشیم اکسپنشن‌ها و پلتفرم‌های معاملاتی، کاربران را ملزم به احراز هویت می‌کنند و در نهایت، پول فیات است که در زندگی روزمره مردم جریان دارد. اگر شما بیت‌کوین داشته باشید، برای خرید کالا یا خدمات، باید آن را به تومان یا دلار تبدیل کنید و اینجاست که احراز هویت انجام می‌شود.

این راه‌م اضافه کنیم، زمانی که اینترنت ایجاد شد، فلسفه‌اش این بود که دسترسی آزاد به اطلاعات فراهم شود و دولت‌ها نتوانند آن را سانسور کنند. اما در عمل، دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ به سرعت به کنترل این فضا پرداختند. به همین ترتیب، در حوزه رمزارزها نیز انتظار نمی‌رود که دولت‌ها به راحتی کنترل خود را از دست بدهند.»

چالش‌ها و فرصت‌ها برای ایران

امامی به وضعیت ایران نیز اشاره کرد و گفت: «در حال حاضر، ایران سیستم جایگزینی برای تبادلات مالی ندارد. بر اساس آمار، در سال ۲۰۲۲، تنها ۱٫۷ درصد از کل تراکنش‌های مالی در ایران با استفاده از رمزارزها انجام شد. رمزارزها می‌توانند به عنوان یک آلت‌رناتیو جدید برای تبادلات مالی عمل کنند، اما نمی‌توانند تمام مشکلات اقتصادی کشور را حل کنند.»

او همچنین به این نکته اشاره کرد که حتی اگر شما با رمزارزها تجارت کنید، در نهایت باید آن را به ارز محلی تبدیل کنید و اینجاست که دوباره به نظام بانکی جهانی وابسته خواهید بود. «درواقع، اگر یک آلت‌رناتیو برای پول فیات کشور‌ها به‌وجود بیاید و فراگیر شود، می‌تواند سیاست‌های پولی کشور‌ها را تضعیف کند. همچنین اگر یک آلت‌رناتیو برای پول فیات کشور‌ها به‌وجود بیاید و فراگیر شود، می‌تواند سیاست‌های پولی کشور‌ها را تضعیف کند و دست بانک مرکزی را ببندد. به همین دلیل، دولت‌ها تمایل چندانی به پذیرش رمزارزها به عنوان جایگزین پول ملی ندارند. با توجه به جذابیت اقتصادی روزافزون فضای رمزارزها و تکنولوژی بلاک‌چین، ایالات متحده با این اقتصاد بزرگ متوجه آن شده و با رویکرد حمایتی و توسعه‌ای چهارچوب ایجاد می‌کند. اگر ما هم بخواهیم از این فضا برای اقتصاد کشور‌مان بهره ببریم، قاعدتاً به جای ممنوعیت، چهارچوب‌رابر مبنای توسعه، محور قرار دهیم تا بتوانیم از این فضا به نفع اقتصاد کشور مان استفاده کنیم.»

